

زادروز فردوسی^۱

هیچ یک از تذکره‌نویسان اشاره‌ای به سال زایش فردوسی نکرده است تا چه رسد به روز آن. نویسندگان قدیمی می‌توانسته‌اند از روی سنگ مزار شاعر تاریخ در گذشتش را بیابند و بدست دهند و گمان می‌رود یکی دو تا از آنان - مثل دولتشاه سمرقندی - که سال از جهان رفتش را ۴۱۱ هجری قمری^۲ یاد کرده‌اند،^۲ از روی همین مأخذ گرفته باشند. اما رسم مسلمانان که فقط تاریخ وفات را می‌نویسند آنان را به تعیین دقیق زمان زایش شاعر یاری نمی‌توانسته است کرد. از سوی دیگر سنت گرفتن جشن تولد فرزند از زمانهای کهن در ایران رایج بوده است و به گفته هرودتوس (کتاب یکم، بند ۱۳۳) اهمیتی ویژه داشته. در گاهشماری ایرانی هم زمان زایش بزرگانی چون زرتشت^۳ و بهرام گور^۴ مشخص می‌بوده است، و در روزگار خود فردوسی نیز کسانی چون سلطان محمود غزنوی^۵ و عضدالدوله دیلمی^۶ زادروز خود را به سال و ماه ایرانی کهن بیاد می‌داشته‌اند. کسانی^۷ و چند شاعر و نویسنده دیگر هم در نوشته‌های خود روز و ماه و سال تولدشان را بدست داده‌اند. فردوسی از خاندانی دهقانی و پایبند سنتهای کهن ایرانی می‌بوده است و همیشه هم از جشن و شادی با علاقه قلبی یاد می‌کند.^۸ پس دلیلی ندارد که وی زاد روزش را بیاد نمی‌آورده است و یا برای آن جشنی نمسی گرفته. برعکس، انتظار می‌رود نشانه‌ای از جشن تولد خود فردوسی، در شاهنامه اش آمده باشد. از مدت‌ها پیش دریافته‌اند که اشارات پراکنده‌ای به تواریخ مهمی در زندگی فردوسی در میان اشعارش گنجانیده شده است، و ژول مول^۹ و بعد از تئودور تولد که^{۱۰} این اشارات را

گرد آوردند و به نتایجی چنان دقیق و قابل اطمینان رسیدند که تاکنون مرجع همه محققان بوده اند و هر تحقیق نوینی هم که بشود بناچار از پژوهشهای این دو آغاز باید کرد. اول ببینیم ژول مول چه یافت. فردوسی در پایان شاهنامه اش اشعاری نیز در باب خودش و کارش گنجایده است که مول اینها را از میانشان برگزید: ^{۱۱}

چو سال اندر آمد به هفتاد و یک	همی زیر شعر اندر آمد فلک
سی و پنج سال از سرای سپنج	همی رنج بردم به امید گنج
چو بر باد دادند رنج مرا	نُبد حاصلی سی و پنج مرا
کنون عمر نزدیک هشتاد شد	امیدم بیکباره بر باد شد
سر آمد کنون قصه یزدگرد	به ماه سپند از آمد روز آزد
ز هجرت شده پنج هشتاد بار	که گفتم من این نامه شاهوار

مول نخستین بیت را حاوی تاریخی واقعی گرفت و با توجه به بیت واپسین بدین نتیجه رسید که در سال ۴۰۰ هجری (= ۵×۸۰) برابر با ۱۰۱۰ میلادی، شاعر هفتاد و یک ساله شده بوده است یعنی در ۳۲۹ یا ۳۳۰ (برابر با ۹۴۰ یا ۹۳۹ میلادی) زاده شده. مول بیت «کنون عمر نزدیک هشتاد شد» را تعبیر شاعرانه ای از سالخوردگی شاعر گرفت که با بیت آخر در واژه «هشتاد» تقارن زیبایی بدست داده است. ^{۱۲} وی این نتیجه را با دو دلیل دیگر استوار کرد. یکی این که فردوسی در پایان داستان یزدگرد اول اشاره می کند که به شصت و سه سالگی رسیده است:

ایا شصت و سه ساله مرد گُهن
تو از باده تا چند رانی سُخُن؟ ^{۱۳}

و سپس ابیاتی غزّاء در وصف «شاهنشا»، که منظور سلطان محمود غزنوی می بوده است، می آورد. اگر شاعر هشتاد سال پیش از سال ۴۰۰ هجری - یعنی در ۳۲۰ - زاده شده بودی، شصت و سه سالگی با ۳۸۳ (= ۳۲۰ + ۶۳) هجری برابر افتادی، حال آن که سلطان محمود در سال ۳۸۷ به تخت نشست. ^{۱۴} دوم این که فردوسی در ضمن داستان جنگ کیخسرو و افراسیاب ابیات بلندی به یاد تاجگذاری سلطان محمود سروده است که از آن جمله است: ^{۱۵}

بدان گه که بُد سان پنجاه و هشت	جوان بودم و این جوانی گذشت
خروشی شنیدم ز گیتی بلند	که اندیشه شد پیرو من متمد
که: «ای نامداران و گردنکشان!	که جُست از فریدون قرخ نشان؟
فریدون بیدار دل زنده شد	زمین و زمان پیش او بنده شد
به داد و به بخشش گرفت این جهان	سرش برتر آمد ز شاهنشهان!»

(چاپ مسکو اشعار دوم و سوم را به حاشیه برده است، و اگر هم ثابت شود الحاقی اند، باز در اصل موضوع، که تقارن جلوس محمود با پنجاه و هشت سالگی فردوسی باشد، تغییری حاصل نمی‌شود). چون جلوس سلطان محمود در ۳۷۸ انجام گرفت، پنجاه و هشت سالگی فردوسی بدان تاریخ می‌افتد، یعنی زایش او در ۳۳۰ (= ۳۷۸ - ۵۸) می‌بوده است.^{۱۶}

ثدور تولد که این نتیجه‌گیری را به دو جهت پذیرفت.^{۱۷} یکی این که: پایان شاهنامه نه تنها به هفتاد و یک سالگی شاعر و هشتاد سالگی اش اشاره دارد بلکه حاوی این بیت هم هست:^{۱۸}

چوبگذشت سال از برم شصت و پنج فزون کردم اندیشه درد و رنج

تولد که این بیت و بیت «کنون عمر نزدیک هشتاد شد» را حاوی دو تاریخ دقیق و معتبر دانست و آنها را بترتیب با اتمام نسخه اول شاهنامه و روایت تجدید نظر شده آن مربوط کرد و نتیجه گرفت که روایت دومی و تجدید نظر شده در ۴۰۰ هجری انجام پذیرفته است و در آن هنگام شاعر «نزدیک هشتاد سال» می‌داشته است، یعنی تولدش در ۳۲۰ یا نزدیک‌های آن می‌بوده. دوم این که نسخه‌ای نسبتاً کهن از شاهنامه متعلق به موزه بریتانیا^{۱۹} (بشماره Or 1403) به‌مراه چند نسخه دیگر، سی و دو بیتی به پایان شاهنامه افزوده است که می‌رساند گوینده آن ابیات در خدمت احمد بن محمد بن ابی بکر خان لنجانی بسر می‌برده است و در بیست و پنجم محرم سال سیصد و هشتاد و نه شاهنامه را پایان برده.^{۲۰} تولد که با توجه به اشعار افزوده شده، بیت «چوبگذشت سال از برم شصت و پنج» را به تاریخ ختم روایت اولی شاهنامه مربوط دانست و نتیجه گرفت که چون وی در سال ۳۸۹ به شصت و پنج سالگی رسیده بوده است، پس در ۳۲۳ یا ۳۲۴ زاده شده بوده و در ۴۰۰ هجری هفتاد و هفت و یا به تعبیر شاعرانه «نزدیک هشتاد سال» داشته.^{۲۱} از آن‌جا که محقق معتبری چون سید حسن تقی‌زاده این عقیده تولد که را پذیرفت،^{۲۲} دولت وقت ایران هم - که به تأسی از ایران‌ستایان به فردوسی در مقام «شاعر ملی» می‌نگریست - سال ۱۳۱۳ را هزاره فردوسی گرفت و بر سنگ مزاری که بر آرامگاه نوبیادش گذارد، سال ۳۲۴ را تاریخ زایش او نوشت.^{۲۳} ولی محمد علی فروغی،^{۲۴} مجتبی مینوی،^{۲۵} ذبیح‌الله صفا^{۲۶} و دیگران^{۲۷} متوجه شدند که اشعار افزوده شده بر نسخه Or 1403 سروده ناسخی بی‌مایه بوده است که نوشتن نسخه‌ای از شاهنامه برای احمد خان لنجانی را در بیست و پنجم محرم سال ششصد و هشتاد و نه پایان رسانیده بوده، و

دیگر نسخه‌ها هم از روی آن بازنویسی کرده بوده‌اند. در رقم «ششصد و هشتاد و نه» عدد ششصد به رسم الخط قدیمی بدون نقطه، بصورت «سسد» نوشته شده بوده است و شارل شفر و تولد که آن را سیصد و پنجاه و هشت خوانده‌اند، و دومی از آن نتایجی نادرست گرفته. در نتیجه عقیده ژول مول که تولد فردوسی را بر مبنای برابری پنجاه و هشت سالگی او با تاجگذاری سلطان محمود در ۳۸۷ به سال ۳۲۹ گرفته بود، مورد قبول محققانی پر اعتبار چون محمد شیرانی،^{۲۸} ملک الشعراء بهار^{۲۹}، مجتبی مینوی^{۳۰} و ذبیح الله صفا^{۳۱} افتاد و با دلائلی چند استوار گردید. حاصل این تحقیقات در بیتی چند از قصیده بلند ملک الشعراء در وصف فردوسی (سروده شده در ۱۳۱۴) چنین آمده است:^{۳۲}

سیصد و سی یا به سالی کمتر از مادر بزاد	هم به شصت و پنج کرد آغاز دستان گتری
در او ان چهار صد شد اسپری شهنامه اش	یازده سال دگر شد عمر شاعر اسپری
بُرد سی و پنج سال اندر کتاب خویش رنج	ماند با رنجی گران گنجی بدین پهناوری

به سال ۱۹۸۱ که این بنده در گوتینگن آلمان رساله‌ای در تاریخنگاری در ایران می‌نوشت، فصل مشبعی را به زندگی فردوسی بعنوان مورخ ملی اختصاص داد^{۳۳} و با تحقیقی درباره زمان تولد او آغاز کرد، و با پذیرفتن نظریه مول، بیت «کنون عمر نزدیک هشتاد شد» را به آخرین سالهای زندگی فردوسی مربوط دانست که با تاریخ وفاتش در ۴۱۱ هجری قمری، تاریخی در حدود ۳۳۰ برای تولدش بدست می‌دهد. نشانه‌ای دیگر هم در تأیید عقیده مول بدست می‌توان داد. فردوسی بهنگام سخن از دوره ساسانیان نخستین، سه بار از شصت و سه سالگی یاد می‌کند:

اول در آغاز پادشاهی بهرام دوم می‌گوید:^{۳۴}

می لعل پیش آورای روزبه	که شد سال گوینده بر شصت و سه
دوم در آغاز داستان شاپوردوم، یعنی ۸۰۰ بیتی بعد از بیت بالا، می‌آورد: ^{۳۵}	
چو آذینه هر مزد بهمن بود	بر این کار فرخ نشیمن بود
می لعل پیش آورای هاشمی	ز خمی که هرگز نگیرد کمی
چو شصت و سه شد سال و شد گوش کر	ز بیشی چرا جویم آیین و فر؟

(در این قطعه، «فرخ» شاید نام یک جشن می‌بوده است، اما نه جشن خره روزیا خرم روز^{۳۶} که من با شتاب گفته بودم^{۳۷}).

سوم همان شعری است که مول با ستاد آورده:

ایا شصت و سه ساله مرد کهن تو از باده تا چند رانی سخن؟

که در آغاز داستان یزدگرد اول آمده است.^{۲۸}

این هر سه مورد در یک فصل از شاهنامه آمده‌اند، و نزدیکیشان بهم می‌رساند که این فصل در یک سال معینی - یعنی شصت و سه سالگی شاعر - سروده شده است. قطعه دومین، تاریخی بسیار مهم بدست می‌دهد: در میان سالهایی که مورد نظر ماست، «هرمزد بهمن»، یعنی نخستین روز از یازدهمین ماه سال، فقط و فقط در سال ۳۷۱ یزدگردی به روز جمعه (آذینه) می‌افتاده است یعنی به روز جمعه ۱۴ ژانویه ۱۰۰۳ میلادی. چون این سال با شصت و سه سالگی فردوسی برابر بوده است، اکنون دیگر بقطع و یقین می‌توان گفت که فردوسی در ۳۰۸ (= ۳۷۱ - ۶۳) یزدگردی برابر با ۹۳۹/۴۰ میلادی و ۳۲۹ هجری قمری زاده شده بوده است، همان گونه که مول نتیجه گرفته بود. اما از این هم گامی فراتر می‌توان رفت و تاریخ دقیق تولد فردوسی را از روی گفته خودش می‌توان یافت. در بیت:

می لعل پیش آورای روزبسه که شد سال گوینده بر شصت و سه
دو واژه «که شد» اشاره به رسیدن زمان زادروز فردوسی دارد (اگرچه خود آن زمان بدقت ذکر نشده است). ولی اندکی پیش از این مورد، فردوسی به خود می‌گوید از کار دست بکش و به می روی آور که جشنی بزرگ پیش آمد:

شب اورمزد آمد از ماه دی زگفتن بیاسای و بردار می

این بیت ۷۷ خط پیش از شعر «که شد سال گوینده بر شصت و سه» آمده است. اکنون متوجه می‌شویم که فردوسی میان «شب اورمزد دی»، یعنی روزی ام آذر (چون اصطلاح «شب» یک روز معین در فارسی و زبانهای خویشاوند^{۲۹} بمعنی روز پیش از آن می‌باشد چنان که هنوز «شب جمعه» بمعنی پنجشنبه است) از سال ۳۷۱ یزدگردی (که برابر با سه شنبه ۱۵ دسامبر ۹۳۹ میلادی بوده) و جمعه اول بهمن همان سال (برابر ۱۴ ژانویه ۱۰۰۳ میلادی)، هشتصد بیتی سروده بوده است یعنی هر روزی ۲۷ بیت (بطور متوسط). چون بیت «که شد سال گوینده بر شصت و سه» - که خبر از رسیدن تاریخ زادروز فردوسی دارد - ۷۷ سطر پس از بیت «شب اورمزد آمد و ماه دی» - که مقصود جمعه ۱۴ ژانویه ۱۰۰۳ باشد - سروده شده است، اگر بین آن دو سه روز فاصله اندازیم بخطا نرفته‌ایم و تاریخ رسیدن جشن شصت و سومین زادروز فردوسی را هم در جمعه ۱۸ (= ۱۵ + ۳) دسامبر ۱۰۰۲ میلادی برابر با سوم دی ۳۷۱ یزدگردی بدست آورده‌ایم.

اکنون باید توجه داشت که فردوسی اگرچه گاهی سال هجری قمری بکار می‌برده است^{۳۰} اما در عمل فقط به ماه و روز کار داشته و ماه و روز را هم بر شیوه گاهشماری

یزدگردی بکار می گرفته. یعنی وقتی تاریخی را بدقت می دهد، آن را با روز و ماه ایرانی می دهد^{۴۱} مگر آن که مثل تاریخ فرمان بخشودن خراج از سوی محمود، در اصل کارش به ماه قمری آمده باشد.^{۴۲} بعبارت دیگر، به هنگام سخن از «که شد سال گوینده بر شصت و سه» نظر فردوسی، همچنان که از ۷۷ شعر بعد از آن («شب اورمزد آمد و ماه دی» و یا هشتصد بیسی پس از این («چو آذینه هر مزد بهمن بود»)) بر می آید، به یک روز و ماه ایرانی معطوف بوده است که با توجه به تحقیق بالا آن را می توان معین کرد. در گاهشماری یزدگردی هر ماه را سی روز تمام است و سال را پنجه ای افزایشند که در نتیجه هر چهار سال یک روز ($24 = 4 \times 6$ ساعت) از سال حقیقی خورشیدی بجلومی افتد. یعنی آنچه را فردوسی بهنگام سرودن «که شد سال گوینده بر شصت و سه» - در سوم دی ۳۷۱ یزدگردی و ۱۸ دسامبر ۱۰۰۳ - شصت و دو سال کامل می دانسته است، در واقع شانزده روزی از شصت و دو سال خورشیدی کامل کمتر می بوده است، یعنی سوم دی سال ۳۰۸ یزدگردی (= ۶۳ - ۳۷۱) برابر بوده است با جمعه سوم ژانویه ۹۴۰ (= ۱۶ + ۱۸ دسامبر ۹۳۹) میلادی، که حاصل افزایش ۱۶ روز بر ۱۸ دسامبر سال ۹۳۹ می باشد، و این تاریخ دقیق و حقیقی تولد فردوسی شاعر گرانمایه و ملی ماست و جا دارد آن را بعنوان جشنی عمومی فرخنده داریم.

یادداشتها:

- ۱ - اصل این مقاله بسال ۱۹۸۴ در مجله خاورشناسی آلمان چاپ شد:
A. Sh. Shahbazi, "The Birthdate of Firdausi (3rd Dey 308 Yazdigardī = 3rd January 940)", *ZDMG*, CXXXIV (1984), 98-105.
 - ۱-۳، فروردین - خرداد ۱۳۶۵، ۴۲ تا ۴۷). این مقاله متن کاملتر و تنقیح شده همان خطابه را در بر دارد و یادداشتها در این جا افزوده شده اند.
 - ۲ - تذکره الشعراء، طبع ادوارد براون (لیدن ۱۹۰۰)، ۵۴.
 - ۳ - روز ششم فروردین: ن. ک. به رساله پهلوی ماه فروردین روز خرداد. البته در این جا کاری به این که این تاریخ و امثالش حقیقی اند یا احتسابی، نداریم.
 - ۴ -
- | | |
|---|---|
| <p>همه موبدان زو برنج و وصال
که پیدا کند در جهان هوردین
به نیک اختر و فال گیتی فروز</p> | <p>ز شاهیش [یزدگرد] بگذشت چون هفت سال
تر سال هشتم تو فروردین
یکگی کودک آمدش هر مزد روز
همان گه پدر کرد بهرام نام...</p> |
|---|---|
- شاهنامه، مسکو، هفتم، ۲۶۶، ابیات ۳۰ و بعد. کلیه مراجع این مقاله به شاهنامه طبع مسکو است.

۵ - در کتاب سرالاسرار تالیف ابوالقاسم علی بن احمد بلخی در نجوم که کمی - شاید سه چهار سال - بعد از وفات سلطان محمود غزنوی نوشته آمده است، زاد روز محمود «روز سه شنبه روز بهرام از ماه خرداد ۳۳۵ قمریه = یزدگردی ثبت گشته»: سید حسن تقی زاده، یادداشت بر ص ۱۰۰ از مقدمه فردوسی و شاهنامه او (تجدید چاپ مقالات تقی زاده درباره فردوسی و شاعران حماسه سرای دیگر در مجله کاوه (به ی ۲۲ نگاه کنید)، با اهتمام حبیب یغمائی (تهران ۱۳۴۹).

۶ - معجم الادب، ششم، ۲۵۸.

۷ -

به سیصد و چهل و یک رسید نوبت سال چهارشنبه و سه روزیاقی از شوال
بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم سرود گویم و شادی کنم به نعمت و مال
به نقل از ذ. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، یکم (ج ۶، تهران ۱۳۶۳)، ۴۴۲.

۸ - شاهنامه، سوم، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۴۹-۲۵۰، پنجم، ۶، و بعد؛ ششم، ۲۱۶، و بعد؛ هفتم، ۱۹۲، ۲۰۶، ۲۱۳، ۲۴۰، ۲۶۱؛ هشتم، ۵۲، ۱۰۹، ۳۱۵؛ نهم، ۳۱۱.

۹ - Julius Mohl, *La Livre de Rois* (Par Abou'lkasim Firdousi, Publie, traduit et commenté), Paris, I (1938), XXI ff.

۱۰ - Theodor Nöldeke, "Das iranische Nationalepos," in W. Geiger - E. Kuhn eds., *Grundriss der iranischen Philologie*, II, Strassburg (1895-1901), 151, 2nd rev. ed., *Das iranische Nationalepos*, Berlin/Leipzig (1920), 24-25.

۱۱ - شاهنامه، نهم، ۳۸۱، ابیات ۸۴۳ و بعد. در بیت نخستین نسخه بدل «پنجاه و هفت» هم داریم، اما ۵۷ سال تمام برابر با آغاز پنجاه و هشت سالگی است و در عمل، مشکلی در محاسبه پیش نمی آورد.

۱۲ - مول، همان مرجع، ص بیست و دو و بیست و سه.

۱۳ - شاهنامه، هفتم، ۲۶۳، بیت ۲۵.

۱۴ - M. Nazim, *Sulṭān Mahmūd*, Cambridge (1931), 38ff.

۱۵ - شاهنامه، پنجم، ۲۳۷، بیت ۴۵ و مابعد. طبع مسکو ابیات دوم و سوم را الحاقی می شمارد و به حاشیه می برد ولی باز این جا هم چنین برداشتی در اصل قضیه تفاوتی نمی اندازد.

۱۶ - مول، همان مرجع، ص بیست و یک و بعد.

۱۷ - بالاتر، یادداشت ۱۰ را بنگرید.

۱۸ - شاهنامه، نهم، ۳۸۱، بیت ۴۸۳.

۱۹ - اول بار آن را شارل شیفر معرفی کرد:

Ch. Cheffer, *Safar-nāmeḥ* by Naṣir Chosrau, Paris (1881), 3.

۲۰ - تقی زاده، کاوه، سال دوم (دوره جدید)، ش ۱۰؛ سوم اکتبر ۱۹۲۱، ص ۱۶ و بعد، این ابیات (منتهای یک بیت) چاپ کرد. از میان این ابیاتی که محمد علی فروغی بحق «بند ثنایی» خواند، این چند بیت را می آوریم:

چو شد اسپری داستان بزرگ	سخنهای آن خسروان سترگ
به روز سیم شنبدی چاشتگاه	شده پنج ره پنج روزان ز ماه
که تازیش خوانند محرم به نام	که از ارجمندیش ماه حرام
اگزر سال نیز آرزو آمدست	نهم سال و هشتاد با ششده است
ز تاریخ دهقان بگویمت نیز	زاندیشه دل را بشویمت نیز
مے بهمن و آسمان روز بود	که حاکم بدین نامه پیروز بود...

همان طور که مجتبی مینوی یارها نشان داد، با احتساب ماهها و خیمه تاریخ یزدگردی در گاهشماری جلالی، آسمان

- روز (= ۲۷) بهمن سال ۶۸۹ (یعنی تبدیلیش به سال خورشیدی) با ۲۵ مجرم برابر می افتد.
- ۲۱ - تولد که ، ج دوم ، ۱۵۱ -
- ۲۲ - کاوه ، دوم ، ش ۱۰ ، ۳ اکتبر ۱۹۲۱ ، ۱۴-۹ و چند شماره بعد، که اکنون بصورت کتاب فردوسی و شاهنامه او باهتمام حبیب یغمائی (تهران ۱۳۴۷) در دسترس عام است. ص ۱۵۲ تا ۲۸۶ آن کتاب.
- ۲۳ - ن . ک . به مقاله (؟) «آرامگاه حماسه سرای بزرگ ایران، فردوسی» مجله هنر و مردم، سال ۱۳۴۵، ش ۱۵۳/۵۴، ص ۱۵۲ و بعد، بویژه ۱۵۵.
- ۲۴ - اول در تذکری به تقی زاده (فردوسی و شاهنامه او) ص ۱۹۸ ی ۱) و بعد در خطابه هایش در ۱۳۱۲، که اکنون بصورت مقالات فروغی، باهتمام حبیب یغمائی (تهران ۱۳۵۱) در دست است: ص ۲۷ و بعد و ۱۳۹ و بعد.
- ۲۵ - «کتاب هزاره فردوسی و بطلان انتساب یوسف و زلیخا به فردوسی»، روزگاران، سال پنجم، ش ۳ (لندن ۱۳۲۳ / ۴۵-۱۹۴۴)، ۱۶ و مابعد.
- ۲۶ - حماسه سرایی در ایران، ج دوم (تهران ۱۳۳۳)، ۱۷۶، ی ۱.
- ۲۷ - از جمله محمد نوری عثمانف و یان ریکا.
- ۲۸ - «فردوسی و شاهنامه» در چهارمقاله، ترجمه عبدالحی حبیبی (کابل ۱۳۵۵)، ص ۱ تا ۳۶؛ اصل مقاله در اردو بسال ۱۹۲۱ چاپ شده بود.
- ۲۹ - «شرح حال فردوسی از روی شاهنامه»، باختر، سال یکم، اصفهان، ۱۳۱۲، ۷۸۱ و بعد (=فردوسی نامه بهار، باهتمام محمد گلین، تهران ۱۳۴۵، ۳۷ و بعد).
- ۳۰ - ن . ک . به یادداشت ۲۵؛ و به تفصیلی بیشتر در فردوسی و شعرا و (تهران ۱۳۴۶).
- ۳۱ - حماسه سرایی در ایران، ۱۷۲ و بعد.
- ۳۲ - فردوسی نامه بهار، ۱۳۹.
- ۳۳ - در این جا لازم است از بزرگواریهای انشاء Alexander von Humboldt Stiftung (Bonn) که این تحقیق را پشتیبانی مالی کردند و استاد ارجمند والتر هیتس N. Hinz در (گوتنگین) که آن را سرپرستی فرمودند، شکر خالصانه کنم.
- ۳۴ - شاهنامه، هفتم، ۲۱۳، بیت ۸. روزیه احتمالاً نام مستخفی بوده است که شاید «هاشمی» لقب داشته (باینتر، ی ۳۵).
- ۳۵ - شاهنامه، هفتم، ۲۵۶، بیت ۶۵۷ و بعد. «هاشمی» احتمالاً لقب مستخفی بزه است.
- ۳۶ - برای آن نگاه کنید به Biruni, *The Chronology of the Ancient Nations*, tr. E. Sachau, London (1879), 211f.
- ۳۷ - در مقاله یاد شده در یادداشت ۱، ص ۱۰۳ ی ۲۵. از این اشتباه پژوهش می جویم، اما البته در اصل مطلب تغییر در تحقیق من بیارنمی آورده است.
- ۳۸ - شاهنامه، هفتم، ۲۶۳، بیت ۲۵.
- ۳۹ - مثل Christmas eve در انگلیسی و یا sonnabend در آلمانی.
- ۴۰ - مثل «ز هجرت شده پنج هشتاد بار». در ایات الحاقی تقالان و ناسخان، این گونه تاریخها بیشتر آمده است.
- ۴۱ - فردوسی این روش را در تاریخهای ایران باستان هم بکار می برده است: «سر سال نو هرمز فروردین» (شاهنامه، یکم، ۴۲، بیت ۵۳)؛ «به روز خجسته سر مهر ماه» (همان، ۷۹ بیت ۳)؛ «به شبگیر هرمزد خرداد ماه» (همان، هفتم، ۳۸۰ بیت ۱۳۲۳) و بسیاری موارد دیگر. رسم بکار گرفتن روز و ماه ایرانی در سال هجری در زمان فردوسی روش معمولی بوده است و بارها در کتب تاریخی بدان برمی خوریم. مثلاً به این موارد فقط از تاریخ قم - که در دوره فردوسی نوشته شده بوده است - بنگرید: «ابو علی به قم وفات یافت روز یکشنبه روز اردیبهشت ماه

اردیبهشت سه روز از ماه ربیع الاول گذشته سنه خمس عشر وثلثمائه (= ۳۱۵) ... ام محمد بنت احمد به شهر قم روز پنجشنبه روز انیران از ماه مرداد بیست و یک روز از ماه ربیع الاول گذشته سنه ثلث و اربعین وثلثمائه (= ۳۴۳) ... پس فاطمه دختر محمد بن احمد شب پنجشنبه روز تیر ماه بهمن یازده روز از ماه شوال گذشته سنه ثلث و اربعین وثلثمائه هجریه وفات یافت» (تاریخ قم، از حسن بن محمد بن حسن قمی، به عربی، ترجمه حسن بن علی ...، به فارسی، تصحیح جلال الدین طهرانی، تهران ۱۳۱۳، ص ۲۱۸). باز امثالی دیگر: مرگ ابو عبدالله در «پنجشنبه روز دی مهر ماه منتصف ماه صفر سنه ثمان و خمسين وثلثمائه (= ۳۵۸) (ص ۲۱۹)؛ «ابو عبدالله احمد در روز شنبه خورماه مرداد پنج روز از صفر گذشته اثنین و سبعین وثلثمائه (= ۳۷۲) از مادر در وجود آمده است (همان، ۲۲۰-۲۲۱)؛ وفات ابوالقاسم بن ابوجعفر در روز جمعه روز آذر ماه شهریور سلخ شعبان سنه سبع و اربعین وثلثمائه (= ۳۴۷) (همان، ص ۲۲۶)؛ ابو محمد الحسن بن احمد در «روز شنبه روز آسمان ماه فروردین نه روز از ماه صفر مانده سنه تسع و اربعین و ثلثمائه (= ۳۴۹)» بود (همان، ۳۳۳). امثال بسیار دیگری می‌توان جمع آورد. اینک نمونه‌ای دیگر: «ولادت غازان خان در شب پنجشنبه پنجم بهمن ماه قدیم سنه ثمان و ثلاثین و ستمانه یزدگردی مطابق سنه ... هجری» در جامع التواریخ (چاپ بهمن کریمی، تهران ۱۳۳۸، ج دوم ۸۳۲) است. یک نمونه دیگر را در یادداشت ۲۰ در بالا نشان داده‌ایم.

- ۴۲

گسذشنه ز شوال ده با چهار
کزی این مژده دادیم رسم خراج
که سالی خراجی نخواهند پیش-

(شاهنامه، هفتم، ۱۱۴)، که اشاره به بخشودن محمود خراج خراسان را پس از قحطی سال ۴۰۱ و ۴۰۲ می‌باشد: نقی زاده، فردوسی و شاهنامه او، ۲۰۴. تاریخ ۱۴ شوال مأخوذ از «فرمان» محمود است نه ساخته خود فردوسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی